

دکتر علی خان مزین السلطان (۱۳۰۳-۱۳۳۸ق)

نقاش، کاریکاتوریست و پزشک
دانش آموخته مدرسه دارالفنون

● نیایش پورحسن*

اشاره

دکتر میرزا علی خان مزین السلطان پزشک، نقاش و هنرمند ایرانی دوره قاجار است که متأسفانه شرح احوال، آثار و خدماتش به شدت مهجور و مغفول مانده است. او تحصیلاتش را در رشته طب در مدرسه دارالفنون به پایان رساند و جدا از طبابت، به ترسیم کاریکاتور و تصویرسازی برای جراید و کتاب‌های چاپ سنگی دوره قاجار نیز می‌پرداخت.

درباره فعالیت‌های این طبیب پُراوازه و هنرمند از یاد رفته، تاکنون پژوهشی منتشر نشده است. شباهت لقبش با میرزا علی‌اکبر خان نقاش باشی مزین‌الدوله باعث شده است که در سال‌های اخیر او را با مزین‌الدوله اشتباه بگیرند و حتی این اشتباه تا جایی پیش رفته است که او را پسر مزین‌الدوله نیز معرفی کرده‌اند (غریب‌پور، ۱۳۸۴: ۱۱۴). از آنجا که مزین‌الدوله در زمره اطبا و هنرمندان برآمده از دارالفنون به‌شمار می‌رود، لذا مقاله حاضر سعی دارد شمایی از زندگانی، فعالیت‌ها و خدمات وی را شرح دهد و در ضمن برخی از اشتباه‌های قدما را نیز برطرف سازد. امید است که نامش از نسیان و فراموشی خارج شود.

□ ورود

در اواخر دوره قاجار تعدادی اشخاص با لقب مزین‌الدوله حضور داشتند که نباید آن‌ها را با هم یکی دانست و عبارت‌اند از:

* پژوهشگر و از اعضای کانون نویسندگان و منتقدان خانه تئاتر ایران E-mail: epourhassanniayesh@gmail.com

۱. میرزاغلام مزین‌السلطان: در عریضه‌ای^۱ از شمس‌الحاجیه به سال ۱۳۰۴ نام این فرد مطرح شده است. همچنین محتوای اعلان کوتاهی در «روزنامه شفق سرخ» (تیر ۱۳۰۴) حاکی از آن است که وی از این لقب استعفا داده و نام خانوادگی طوماری را برای خود برگزیده است.^۲

۲. مزین‌السلطان: از شهر گروس که در سال ۱۳۰۲ عریضه‌ای به روزنامه شفق سرخ فرستاد و در آن چنین نوشت: «مقام منیع وزارت جلیله داخله و شفق سرخ، سید صالح، معلم ابتدایی برادر رئیس معارف میان دارالحکومه حضور جمعی من، غیر جهت فدوی را کتک کاری در حضور حکومت هم محکوم مقتضیاتی از احقاق حقم غمض بصر می‌شود، امر صریح در تشکیل مجلس رسیدگی مستدعیم. فدوی مزین‌السلطان» (روزنامه شفق سرخ، ۱۳۰۲: ۳).

۳. فضل‌الله خان طغرل: ملقب به «مزین‌السلطان»، فرزند محمدعلی خان کاشانی مبشرالدیوان (۱۳۲۱-۱۲۵۱ق) متخلص به «غبار». فضل‌الله خان طغرل در تاریخ ۲۰ محرم ۱۳۰۰ در زنجان متولد شد و در سال ۱۳۴۰ خ درگذشت. او در سنین جوانی همراه پدرش به شیراز سفر کرد و جدا از آنکه نقاشی را نزد فرصت شیرازی فرا گرفت، در عین حال با پدرش و کالت «روزنامه ثریا» در فارس را نیز برعهده داشت. فضل‌الله خان، داماد امیرجهان‌شاه خان افشار (متوفی ۱۳۴۷ق) بود و از این رو تصویری از پدر همسر خود را در سال ۱۳۰۳ خ ترسیم کرده است.^۳ ایشان همچنین یکی از نویسندگان «روزنامه پروین خمسه» (نخستین نشریه زنجان) بود که از ۱۹ اسفند ۱۳۰۹ تا ۲۶ اردیبهشت ۱۳۱۵ در چهارصدوشصت و چهار شماره از سوی عیسی قانون‌خواه زنجان منتشر می‌شد.

۴. حسین طاهرزاده بهزاد تبریزی: ملقب به «مزین‌السلطان» (متوفی ۲۱ اسفند ۱۳۴۱)، نویسنده، پژوهشگر، نقاش، تصویرساز، کاریکاتوریست، نقاش فرش، مرمتگر، تذهیب‌کار، زری‌باف و هنرمند برجسته ایرانی در اواخر دوره قاجار که از محمدحسن میرزا (ولیعهد احمدشاه) لقب مزین‌السلطان را در استانبول دریافت کرد.^۴

۵. دکتر میرزا علی‌خان مزین‌السلطان: که اکنون به شرح احوال و آثار وی می‌پردازیم.

۱. سند این عریضه از سوی زائبار نوری به «مؤسسه دنیای زنان قاجار» در دانشگاه هاروارد آمریکا اهدا شده است.
 ۲. «استعفاء از لقب مزین‌السلطان، اسم غلام‌حسین؛ نام خانوادگی طوماری و نیز امضای خود را من بعد طوماری معرفی می‌نمایم» (روزنامه شفق سرخ، ۱۳۰۴: ۲).
 ۳. برای آگاهی بیشتر بنگرید به: «افشار، ۱۳۸۷: ۱۰۴ و ۱۰۵؛ کلیات دیوان اشعار محمدعلی مبشرالدیوان (غبار کاشانی)، ۱۳۸۸؛ و «روزنامه خاطرات عین‌السلطنه، ۱۳۷۹: ۵۹۷۷، ۵۹۹۴ و ۶۰۳۵».
 ۴. رای آگاهی بیشتر بنگرید به: «طاهرزاده بهزاد، ۱۳۶۸؛ کاظم‌زاده ایرانشهر، ۱۳۰۲: ۱۵۴ تا ۱۷۳؛ مجله تعلیم و تربیت، ۱۳۳۲: ۳۶۹ و ۳۷۰؛ گلبن، ۱۳۸۶: ۳۰-۲۳؛ غنی، ۱۳۲۹: ۴۴۴ و ۴۴۵؛ مهرپویا، ۱۳۶۶: ۳۰-۲۷).

دکتر میرزاعلی خان
در سال ۱۳۲۲ق.
به مزین السلطان
ملقب شد و
در همان زمان نیز
فعالیت پزشکی
خود را آغاز کرد

□ زندگی، تحصیل و فعالیت‌های پزشکی دکتر میرزاعلی خان مزین السلطان

میرزاعلی خان فرزند میرزااحمدعلی در سال ۱۳۰۳ق. در تهران متولد شد (روستایی، ۱۳۸۲: ۶۸۱). او تحصیلات خود را در رشته طب در مدرسه دارالفنون تهران آغاز کرد و به مدرک دیپلم نائل آمد. «روزنامه تازه بهار مشهد» درباره نحوه تحصیل وی در دارالفنون اطلاعات ارزشمند زیر را ثبت کرده است:

«دکتر مزین السلطان در اوآن سن به مدرسه دارالفنون تهران داخل گشته، تحصیلات مقدماتی خود را تکمیل و سپس در مدرسه نظام علم نقاشی را تحصیل و تکمیل نمود و نظر به اینکه میل و استعداد خود را در تحصیل طب و دخول در این رشته مشاهده نمود، در خارج مدرسه تحصیلاتی در علم طبابت نموده و مراحل را پیموده تا اینکه معلمین اروپایی که از طرف دولت خواسته شده بودند، وارد مرکز شده، مدت شش سال هم پیش معلمین مزبور به تحصیلات خود امتداد داده، پس از امتحان شایانی دارای دیپلم طب گردید» (روزنامه تازه بهار، ۱۳۹۹: ۱).

دکتر میرزاعلی خان از قرار معلوم در سال ۱۳۲۲ق. به مزین السلطان ملقب شد و در همان زمان نیز فعالیت پزشکی خود را آغاز کرد. چنانچه «روزنامه ادب» در این زمینه چنین نوشته است: «جناب معتمد السلطان آقامیرزاعلی آقاخان مزین السلطان از شاگردهای فارغ التحصیل جناب دکتر آقامیرزا ابوالحسن خان^۱ و جناب مهذب السلطنه^۲ هستند. در منزل خود، مقابل در بزرگ سید نصرالدین [سیدناصرالدین] برای همه قسم معالجه حاضرند.» (روزنامه ادب، ۱۳۲۳ق: ۳۴۵).

او همچنین از این تاریخ به بعد در محضر پزشکان اروپایی به فراگیری سایر تخصص‌های پزشکی در مدرسه دارالفنون پرداخت تا آنکه سرانجام در جمادی الاول ۱۳۲۶ با معدل ۱۷/۳۴ یا ۱۷/۳۹ به دریافت شهادت‌نامه و دیپلم پزشکی نائل آمد و با دریافت جواز رسمی طبابت از مدرسه دارالفنون به خدمات دولتی گماشته شد.

روزنامه صبح صادق (۱۳۲۶ق، ص ۳) و روزنامه مجلس (۱۳۲۶ق، ص ۴۰۴) با گزارشی از رضاقلی، مشروح گزارش فارغ التحصیلی میرزاعلی خان مزین السلطان و سایر هم‌نسلان وی را چنین شرح داده است:

«دوره نیک‌بختی یازده نفر از محصلین علم طب را که فارغ التحصیل از مدرسه مبارکه دارالفنون با دیپلم خارج می‌شوند، به معروض معارف خواهان محترم می‌رساند. زحمتهای بی‌پایان این نوباوگان وطن را نمی‌توان به شرح و بیان بیرون آورد؛ زیرا که تکمیل تحصیلات طبیه را منزل بس دور و دراز است و اهل علم به خوبی می‌دانند تا چه پایه رنج و زحمت باید بر خود هموار کرد تا به وادی ایمن و مقام امن علمی نایل شد.»

۱. منظور میرزا ابوالحسن خان بهرامی طبیب (۱۳۲۰-۱۲۶۱ق.) از پزشکان معتنم و سرشناس دوره ناصری و مظفری است.

۲. منظور دکتر علی‌رضاخان بهرامی مهذب السلطنه (۱۳۱۷-۱۲۸۲ق.)، فرزند میرزا ابوالحسن خان بهرامی است.

در این موقع وزارت معارف تیریکات صمیمانه خود را به این یازده نفر آقایان اظهار می‌دارد و ضمناً تشکر می‌کند که با عدم جمعیت اسباب و لوازم کار و نواقص امورات تعلیم و تعلم در هر دوره، شاگردان عالم فارغ‌التحصیل از دارالفنون خارج شده، ان‌شاءالله به همت اولیای امور در آتیه بیشتر از پیش تر ترتیبات تحصیلیه متعلمین فراهم و نشر معارف و علوم در ایران به نوع اکمل خواهد شد. عجلتاً برای اطلاع عموم اهل مملکت و علمای این فن شریف ترتیب تحصیلات آقایان متعلمین را با نمره دیپلم‌های آنها به‌عرض می‌رساند که خاطر محترم همه خوانندگان مسبوق شود.

به تاریخ چهارشنبه دهم شهر جمادی‌الاول ۱۳۲۶ که مطابق دهم ماه ژوئن ۱۹۰۸ است، دوره تحصیلات طّیبه آقایان به اتمام رسیده، اسامی معلمین محترم آنها را هم اطلاعاً با اسامی خود آنها می‌نویسد:

- معلمین محترم:** دکتر بازیل معلم طب، دکتر ژورژ معلم طب، دکتر کاله معلم جراحی، مسیو دشان معلم تاریخ طبیعی، مسیو المر معلم شیمی و فیزیک.^۱
- متعلمین که کلیه امتحانات را داده‌اند و شهادت‌نامه در حضور وزرای عظام و وکلای فخام و معلمین و اطبای محترم دارالخلافه و اکثری از رجال دانشمند به آنها داده شده، نمره امتحانات سه ساله آنها از این قرار است:
۱. آقامیرزاسیدابوالقاسم ولد جناب حاجی سیدعبدالرسول قوام‌الحکما، تمجید خوب، ۱۷/۵۲.
 ۲. آقامیرزاعلی آقا مزین‌السلطان ولد مرحوم میرزااحمدعلی، تمجید خوب، ۲.۱۷/۳۴.
 ۳. آقامیرزاعبدالله خان ولد جناب معین‌الحکماء، تمجید خوب، ۱۷/۲۱.
 ۴. آقامیرزاسیدحسین ولد جناب مستطاب آقاسیدابوالقاسم صدرالعلماء همدانی، تمجید خوب، ۱۶/۳۹.
 ۵. آقامیرزامحمدخان ولد جناب میرزازین‌العابدین خان مؤتمن‌الاطباء، تمجید خوب، ۱۶/۱۱.
 ۶. آقامیرزاعبدالعزیز ولد جناب میرزاخلیل‌الله طیب، تمجید خوب، ۱۶/۰۴.
 ۷. آقامیرزامسیح ولد جناب میرزاخلیل طیب، تمجید متوسط، ۱۵/۸۵.
 ۸. آقامیرزالقمان ولد مرحوم میرزایوب، تمجید متوسط، ۱۵/۳۸.
 ۹. آقامیرزاسیدضیاء ولد جناب ناظم‌الحکماء، تمجید متوسط، ۱۵/۱۰.
 ۱۰. آقامیرزامحمودخان ولد جناب فخیم‌الممالک،^۴ تمجید متوسط، ۱۴/۴۲.
 ۱۱. آقامیرزارضاخان ولد جناب معتمدالممالک، تمجید متوسط، ۱۳/۵۱.

۱. اسامی معلم‌ها در هر دو روزنامه جابه‌جا نقل شده است.

۲. در روزنامه صبح صادق ۱۷/۳۴ و در روزنامه مجلس ۱۷/۳۹ درج شده است.

۳. در روزنامه صبح صادق (۱۶،۳۹) و در روزنامه مجلس (۱۶،۴۷) درج شده است.

۴. در روزنامه صبح صادق «جناب فخیم‌الممالک» و در روزنامه مجلس «جناب الممالک» درج شده است.

در سال ۱۳۳۱ ق.
بیمارستانی
به سرپرستی
دکتر مزین السلطان
و همت و مساعدت
اهالی اصفهان
برقرار شد

دکتر مزین السلطان پس از اتمام تحصیل، مطب خود را از خیابان سیدناصرالدین به خیابان ارامنه تهران منتقل کرد که اعلانی از آن بدین قرار موجود است:

«دکتر مزین موقتاً تغییر مکان داده، مطب خود را در خیابان ارامنه خانه رضاخان حکیم قرار داده است. همه روزه از صبح تا ظهر برای پذیرایی مریض و هفته‌ای دو شب برای مذاکره امراض داخلی (پاتلژی انترن) حاضر است» (روزنامه شرق، ۱۳۲۷ ق: ۴).

«دکتر مزین السلطان در زمان وزارت جنگ قوام السلطنه (۱۳۳۴-۱۳۵۶ خ)، به تاریخ ۱۳۲۸ ق. با منصب یآوری به ریاست صحیحه رژیم اول سربازان رفوزه معین گردید. سپس با رتبه نایب سرهنگی قشونی به ریاست صحیحه اردوی مازندران انتخاب و بعدها داخل خدمات ژاندارمری دولتی شده، مأمور اصفهان گردید» (روزنامه تازه‌بهار، ۱۳۳۸ ق: ۱).

دکتر مزین السلطان قبل از سفر به اصفهان، در تاریخ ۱۰ شوال ۱۳۳۱، در مدرسه آمریکایی تهران، درباره امراض و حفظ‌الصحه از میکروب‌ها سخنرانی کرد که متن این سخنرانی در سال نخست روزنامه شکوفه (شماره‌های ۱۵ و ۱۶، مورخ ۲۰ شوال و دهم ذی‌قعدة ۱۳۳۱) منتشر شد.

او در اواخر سال ۱۳۳۱ ق. به اصفهان رفت و در آنجا به تأسیس مریض‌خانه ملی مهمی همت گماشت (پیشین). چنانچه میرسیدعلی جناب اصفهانی (۱۳۰۹-۱۲۴۹) در این خصوص چنین نوشته شده است:

«در سال ۱۳۳۱ ق، بیمارستانی به سرپرستی دکتر مزین السلطان و همت و مساعدت اهالی اصفهان برقرار شد، با لوازم مفصل و بیست تخت‌خواب؛ در سال سیم از اثر ورود قشون روس برهم خورد» (جناب اصفهانی، ۱۳۰۳: ۶۷).

همچنین دکتر مزین السلطان در همان زمان به ریاست بهداری ژاندارمری اصفهان برگزیده شد (نفیسی، ۱۳۵۳: ۲۳) و خود نیز در همانجا به‌عنوان طبیب رسمی به فعالیت‌های طبابت می‌پرداخت. چنانچه امیرقلی امینی (مدیر روزنامه اصفهان) در مقاله‌ای در این زمینه چنین نوشته است:

«دکتر مزین السلطان طبیب رسمی ژاندارمری و از خلیق‌ترین و وطن‌پرست‌ترین افراد عصر خود و درعین حال طبیبی حاذق و نویسنده‌ای زبردست بود» (امینی، ۱۳۵۳: ۶۶ و ۶۷).

مزین السلطان در اصفهان جدا از مشغله‌های پزشکی و طبابت به فعالیت‌های فرهنگی و هنری نیز می‌پرداخت و ریاست «شرکت علمی اصفهان» را بر عهده داشت. دکتر مهدی فروغ (۱۳۸۷-۱۲۹۰) در این زمینه چنین نوشته است:

«در حدود سال‌های ۱۳۳۴ یا ۱۳۳۵ قمری ... سوئدی‌ها تشکیلات ژاندارمری را در ایران تأسیس کردند و عده‌ای از نجیب‌زادگان کشور و علاقه‌مندان به پیشرفت و

روزنامه مصور
و کاریکاتوروار
«کشکول تهران»
در تاریخ شنبه
۱۵ صفر ۱۳۲۵
از سوی میرزا احمد
مجدالاسلام کرمانی
انتشار یافت

ترقی مملکت ... مأمور منطقه اصفهان شدند. این عده ارتباط نزدیکی با آزادی خواهان و روشن فکران آن زمان داشتند. آن‌ها جویای استقلال واقعی و آرزومند اعتلای تمدن و فرهنگ ایران بودند ... از جمله اقدامات سودمندی که برای ترقی مردم کردند، یکی تشکیل شرکتی بود به نام شرکت علمیه که ریاستش با شخصی بود معروف به مزین السلطان. این شرکت کمیسیون‌های متعددی را مأمور ساخت که به کار تعلیم و تربیت رسیدگی کند» (فروغ، ۱۹۶۳ م: ۹۲۳).

از دیگر اقدامات مزین السلطان در این زمان در اصفهان، مشارکت در احداث مدرسه اکابر در محله گل بهار است که با همت وی و یکی از مفاخر شهر اصفهان به نام ضیاءالدین جناب^۱ (متوفی ۱۰ اسفند ۱۳۵۵) تأسیس شد و چند سال دوام داشت. ضیاءالدین جناب خود در این زمینه چنین نوشته است:

«مرا این شرکت [شرکت علمیه]، آموزش مجانی بزرگسالان، تأسیس ثناتر، تأسیس قرائت‌خانه و امور دیگری از این قبیل بود. برای اجرای هر یک از مواد مذکور، کمیسیونی تشکیل شد. مرکز فعالیت شرکت علمیه «مدرسه گل بهار» بود و ریاست کل را دکتر مزین السلطان، پزشک رژیمان بر عهده داشت. این مرد بسیار جدی، نیک سرشت و در اجرای مقررات مقید و سخت گیر بود. میرزا علی خان رخشار (رئیس دفتر ژاندارمری اصفهان) که از آزادی خواهان، معارف پروران و دوستان صمیمی بود نیز در امور شرکت علمیه همکاری مؤثر داشت ...»

شبی که قرار بود جلسه شرکت تشکیل شود، دکتر مزین السلطان از وقت مقرر قدری دیرتر آمد و به محض ورود یک اسکناس ده تومانی به تحویل دار داده با عذرخواهی از تأخیر خود گفت:

«امشب مرا به بالین محتضری بردند. او را خدا نجات داد و این حق‌القدم من است، چون از وقت شرکت گرفته‌ام به صندوق شرکت می‌رسد. ده تومان در آن موقع مخارج یک ماه یک خانواده متوسط بود. نخستین فعالیت کمیسیون معارف، تأسیس مدرسه اکابر شبانه و مجانی (برای اولین بار) بود که در محل مدرسه گل بهار دایر شد. در این مدرسه که نظامتش به عهده آقای علی انصاری بود و معلمینش از افراد حزب دموکرات و اعضای شرکت علمیه بودند، همه مجانی و از روی وجدان خدمت می‌کردند.» (امینی، ۱۳۲۶).

احداث مقبره آقاسید جمال‌الدین واعظ^۲ (مقتول شوال ۱۳۲۶) با عنوان «جمالیه»، از دیگر اقدامات مزین السلطان است که بین سال‌های ۱۳۳۲ تا ۱۳۳۵ ق در بروجرد ساخته شد. دلیل این اقدام نیز دوستی مزین السلطان با سید جمال‌الدین واعظ است که پسر آن مرحوم، یعنی

۱. درباره سید ضیاءالدین جناب بنگرید به: فضل‌الله، ۱۳۸۹: ۴۱۷؛ دولت‌آبادی، ۱۳۵۶: ۱۱؛ حشمتی، ۱۳۵۶: ۱۱۶ تا ۱۲۸؛ مجله تعلیم و تربیت، ۱۳۵۷: ۱۹۰ تا ۱۹۳؛ آرام، ۱۳۵۶: ۲۰۴ تا ۲۱۰.

۲. پدر سید محمد علی جمال‌زاده و از روحانیان آزادی خواه دوره مشروطه که در بروجرد به قتل رسید.

سید محمدعلی جمالزاده در مقاله‌ای درباره آن صحبت کرده است. (جمالزاده، ۱۳۳۳: ۳۹۵). همچنین میرزا همایون خان سیاح درباره این مقبره چنین نوشته است: «راجع به مقبره مرحوم آقا هم تحقیقاتی کردم. معلوم شد مؤید خاقان، رئیس سابق عدلیه بروجرد، ابتدا سنگی جهت قبر کنده بوده است؛ ولی به اتمام کار موفق نشده است. بعد از او، دکتر مزین السلطان که در زاندارمری بوده، آمده و از محل فروش اسب و تفنگ آن دو نفر صاحب‌منصب مقتول^۱ مقبره را ساخته است» (پیشین).

بنا به نوشته حبیب یغمایی: «مزین السلطان بر سر این گور چهارطاقی از آجر بنا نهاد ... که این چهارطاقی مدتی بعد از سوی میرزا همایون خان سیاح در سال ۱۳۰۴ خ مرمت گردید. وی با مسدود نمودن سه طرف از چهارطاقی با پنجره، و بالا بردن سنگ قبرها؛ و نصب کتیبه‌ای بر سردر جمالیه، آرامگاه وی را در تاریخ یکشنبه ۲ شوال ۱۳۴۳ از نو تجدید نمود» (یغمایی، ۱۳۵۶: ۴۸۱ و ۴۸۲).

مزین السلطان در سال ۱۳۳۵ ق. به تهران مراجعت کرد. روزنامه تازه‌بهار مشهد درباره حضور او در تهران چنین نوشته است:

«دکتر مزین السلطان نظر به احساسات وطن‌پرستانه‌ای که برخلاف بعضی از مهاجرین در ضمیر خود داشت ... پس از چندی به تهران مراجعت کرد. پس از این مسافرت و مشاهده اوضاعی که هر وظیفه‌شناس و هر علاقه‌مند به مملکت را متأثر می‌ساخت، در تهران حالت انزوا و عدم معاشرت را پیش گرفته، ولی باز از معالجه مرضا خودداری نداشت و ضمناً هم مقامش در اداره زاندارمری محترم و محفوظ بود» (روزنامه تازه‌بهار، ۱۳۳۸ ق: ۱).

وی در تهران به نگارش و انتشار ماهنامه «طب مصور» اقدام کرد که از تاریخ شنبه اول شوال ۱۳۳۵ تا پنجشنبه اول جمادی‌الثانی ۱۳۳۶ به صورت چاپ سری منتشر شد^۲ و اغلب مطالب و تصویرهای آن نیز از سوی خود وی تهیه می‌شد. متأسفانه این نشریه به علت همکاری نکردن پزشکان و نداشتن کمک‌های مادی و معنوی، پس از انتشار نه‌شماره تعطیل شد.

۱. «مدتی بعد مؤید خاقان، رئیس عدلیه وقت بروجرد که از معتقدان سید بود، به تعمیر قبر او کوشید و سنگی بر آن نصب کرد. بر این سنگ پس از زمانی بر اثر سرما و دیگر عوامل شکستگی‌هایی پدید آمد. چنان که از خطوط منقور بر آن جز این عبارات و اشعار چیزی خوانده نمی‌شد: العالم الجلیل السید جمال‌الدین همدانی» (یغمایی، ۱۳۵۶: ۴۸۰).

۲. این دو تن عبارت‌اند از:

۱. محسن‌خان فرزند میرزا علی‌خان؛ یکی از افسران زاندارمری که در حدود سن سی سالگی در جنگ با اشرا لریستان در تاریخ سه‌شنبه ۱۶ جمادی‌الثانی ۱۳۳۲ مقتول شد. وی در واپسین لحظات زندگی خویش به دکتر مزین السلطان که بر بالینش حاضر بود، وصیت کرد که جنازه وی را در کنار سید جمال‌الدین واعظ اصفهانی دفن کنند. اسب و سلاحش را بفروشد و از بهای آن بر گور وی و سید بنایی چهارطاقی بسازند.

۲. تقی فرزند عبدالحمید یکی دیگر از صاحب‌منصبان زاندارمری که در تاریخ شنبه ۲۷ جمادی‌الثانی ۱۳۳۲ در جنگ با اشرا لریستان مقتول شد. وی نیز در کنار قبر سید جمال‌الدین واعظ به خاک سپرده شد. بنگرید به: یغمایی، ۱۳۵۶: ۴۸۱.

۳. این ماهنامه از تاریخ ۳۰ تیر تا ۲۳ اسفند ۱۲۹۶ با صاحب‌امتیازی و مدیر مسئولی مزین السلطان انتشار می‌یافت.

دکتر مزین السلطان، بنا به نوشته روزنامه تازه‌بهار مشهد، در سال ۱۳۳۶ ق از طرف اداره زاندارمری دولتی به رتبهٔ ماژری با یک‌صد و بیست تومان حقوق نایل شد. (روزنامهٔ تازه‌بهار، ۱۳۳۸ ق: ۱).

▣ فعالیت‌های هنری دکتر میرزاعلی‌خان مزین السلطان

میرزاعلی‌خان مزین السلطان، هم‌زمان با تحصیل پزشکی در مدرسهٔ دارالفنون، به هنر نقاشی نیز علاقهٔ شدیدی نشان می‌داد و به فراگیری آن پرداخت. متأسفانه تاکنون از استادان نقاشی و نحوهٔ آموزش‌های اولیهٔ او در زمینهٔ اقسام نقاشی و تصویرسازی‌های چاپ سنگی اطلاع درستی نداریم.

می‌دانیم زمانی که میرزاعلی‌خان به مدرسهٔ دارالفنون وارد گردید، تدریس نقاشی برعهدهٔ حاجی آقا نقاش و مصورالممالک قرار داشت که هر دو بیش‌تر در زمینهٔ طراحی و نقاشی رنگ‌روغنی فعالیت می‌کردند؛ از این‌رو بعید به‌نظر می‌رسد که او توانسته باشد تکنیک‌های چاپ سنگی و کاریکاتور را نزد آن‌ها فرا گرفته باشد. به همین جهت میرزاعلی‌خان می‌بایست به نحو دیگری با فنون (تکنیک‌های) نقاشی آشنا شده باشد که روزنامهٔ تازه‌بهار معتقد است وی در مدرسهٔ نظام تهران به کسب این آموزش‌ها پرداخته است (پیشین).

دکتر علی‌خان پس از دریافت لقب مزین السلطان حوالی سال ۱۳۲۲ ق، جدا از فعالیت‌های طبابت، به ترسیم تصویرهای چاپ سنگی و کاریکاتور جراید نیز مشغول شد که برخی از تصویرهای چاپ سنگی روزنامهٔ ادب از آن جمله است. چنانچه همان روزنامه دربارهٔ وی چنین نوشته است:

«جناب معتمدالسلطان آقا میرزاعلی‌آقاخان مزین السلطان ... در منزل خود، مقابل در بزرگ سیدناصرالدین [سیدناصرالدین] برای همه قسم معالجه حاضرند و نیز ادارهٔ ایشان برای همه قسم نقاشی و پرده‌سازی با نهایت مهارت و استادی مهیاست؛ و امتحان نقاشی ایشان از ملاحظات تصویرات ادب معلوم است.» (روزنامهٔ ادب، ۱۳۲۳ ق: ۳۴۵).

گفتنی است که مزین السلطان در منزل خود جدا از فعالیت‌های طبابت و نقاشی، به تدریس نقاشی نیز می‌پرداخت. چنانچه سیدمحمدعلی جمال‌زاده (متولد ۱۳۰۹ ق)، داستان‌نویس برجستهٔ معاصر ایران، در یادداشت‌های خود از مزین السلطان به‌عنوان یکی از معلمان نقاشی خود در دورهٔ مظفری بدین‌قرار یاد نموده است:

«دکتر مزین السلطان، در محلهٔ سیدناصرالدین همسایهٔ ما بود و با پدرم دوستی داشت و به خود بنده درس نقاشی می‌داد و پدرم نهایت محبت را در حق او داشت» (جمال‌زاده، ۱۳۵۶: ۳۹۵).

از آثار این نقاش باید به برخی از تصویرهای چاپ سنگی سومین سال روزنامهٔ ادب (۱۳۲۲ و ۱۳۲۳ ق) با امضای «مزین» و «علی مزین» اشاره کرد. مشخصات آثار وی از این‌قرار است:

میرزاعلی‌خان
مزین السلطان،
هم‌زمان با تحصیل
پزشکی در
مدرسهٔ دارالفنون،
به هنر نقاشی
نیز علاقهٔ شدیدی
نشان می‌داد و
به فراگیری آن
پرداخت

نمره روزنامه	شماره صفحه	تاریخ روزنامه	عنوان تصویر	رقم و محل رقم
۳۳	۲۶۰	دوشنبه ۲۷ رمضان ۱۳۲۲	نادرشاه افشار	مزین، پایین / راست / لاتین
۳۴	۲۶۷	شنبه ۹ شوال ۱۳۲۲	یک نفر مجروح در کادر	مزین، پایین / چپ
۳۶	۲۸۵	شنبه ۲۳ شوال ۱۳۲۲	اعلی حضرت میکادو امپراتور ژاپن	مزین، پایین / راست / لاتین
۳۷	۲۹۵	شنبه ۱ ذیقعدة ۱۳۲۲	کریم آقاخان مختار السلطنه	مزین، پایین / چپ / لاتین
۴۰	۳۱۰	دوشنبه ۱ ذیحجه ۱۳۲۲	مرد و زن معمر	مزین، پایین / راست / لاتین
۴۳-۴۲	۳۳۲	چهارشنبه ۲۴ ذیحجه ۱۳۲۲	نصر السلطنه	مزین، پایین / راست / لاتین
۴۵-۴۴	۳۴۴	۱۱ محرم ۱۳۲۳	صارم الدوله	علی مزین، پایین / راست

در اوایل انتشار سال چهارم روزنامه ادب تهران که از شماره ۴۶ یا ۱۴۳ آغاز و تا شماره ۱۸۰ به طول انجامید، دکتر علی مزین همچنان برخی از تصویرسازی‌های این روزنامه را برعهده داشت. مشخصات این تصویرها به این شرح است:

نمره روزنامه	شماره صفحه	تاریخ روزنامه	عنوان تصویر	رقم و محل رقم
۴۶ یا ۱۴۳	۸ یا ۳۵۶	ندارد	ظهیرالاسلام	علی مزین، پایین / چپ
۱۴۴	۱	۲۰ صفر ۱۳۲۳	محمد علی شاه	علی مزین، پایین / چپ
۱۴۵	۱	۱ ربیع الاول ۱۳۲۳	سالارالدوله	علی مزین، پایین / راست
۱۴۶	۱	۱۰ ربیع الاول ۱۳۲۳	آقای میرزاسیدمحمد مجتهد طباطبایی	احتمالاً علی مزین
۱۵۰	۱	۱۵ ربیع الثانی ۱۳۲۳	آقای میرزامصطفی مجتهد آشتیانی	احتمالاً علی مزین

روزنامه مصور
و کاریکاتوروار
«کشکول تهران»
در تاریخ شنبه
۱۵ صفر ۱۳۲۵
از سوی میرزا احمد
مجدالاسلام کرمانی
انتشار یافت

در شماره صدوپنجاهم روزنامه ادب مطلبی درباره سختی تصویرسازی‌های چاپ سنگی و فعالیت‌های دکتر مزین السلطان نوشته شده است که از نظر می‌گذرد:

«چون اداره روزنامه ادب محض انتشار ذکر جمیل بزرگان مملکت و رؤسای ملت و رجال دولت، تصویر مبارک هر کدام که مصدر خدمت به دین و دولت یا موجب آبادی مملکت شده‌اند طبع و ترسیم می‌نماید و همه کس می‌داند درین مملکت هنوز دستگاه گراور و اسباب فتوغرافی کامل نیست که بتوان مثل جراید فرنگ عکس‌ها را به‌عینه طبع نمایند و ترتیب نقاشی ما این قسم است که نقاش ماهر از روی عکس با قلم می‌سازد و هر قدر هم دقت نماید باز روی سنگ و زیر چرخ خراب و سیاه می‌شود. چنانچه هفته گذشته ورق اول به‌کلی زیر سنگ خراب و باطل شد و آن‌ها که جراید مصور فرنگ را دیده‌اند می‌دانند که با آن دستگاه کامل باز هم عکس که هزار نمره یا زیاده‌تر طبع شود، مثل عکس‌های متعارفی که ده دوازده عدد از آن‌ها به طبع می‌رسد نخواهد شد.

محض توضیح می‌نگاریم که اگر تصویری را ملاحظه فرمودند که قدری سیاه شده است، بدانند تقصیر بر ما نبوده است و غرض ما عکس نیست و شیشه را نداریم که بار توشه و نقاشی عکس‌ها را خوشگل نماییم؛ بلکه مقصود نمایاندن صورت و انتشار ذکر جمیل بزرگان است نه خوشگل ساختن. و امید است خوانندگان به‌دقت مطالعه فرموده انصاف بدهند و حیرت کنند که نقاشی‌های اداره چگونه با نوک قلم مثل عکس می‌سازد و اگر زیر سنگ خراب نمی‌شد، احدی از عکس تمیز نمی‌داد و بعضی تصویرات را جناب فخامت و حذافت‌نصاب، میرزا علی‌آقاخان دکتر مزین السلطان ترسیم می‌نماید» (روزنامه ادب، ۱۳۲۳ ق: ۵).

روزنامه مصور و کاریکاتوروار «کشکول تهران» در تاریخ شنبه ۱۵ صفر ۱۳۲۵ از سوی میرزا احمد مجدالاسلام کرمانی (متوفی ۱۳۴۲ ق) انتشار یافت. این روزنامه که در چهار صفحه منتشر می‌شد، حاوی تصویرهای روی جلد و دو سه صفحه کاریکاتور بود که مزین السلطان از شماره هفتم (شنبه ۷ ربیع‌الثانی ۱۳۲۵) تا سی‌وهشتم (سه‌شنبه ۱۲ ربیع‌الاول ۱۳۲۶) با رقم‌های: «میرزا علی» و «Ali» و «Mirza Ali Mozain» به ترسیم آن‌ها می‌پرداخت.

درباره کاریکاتورهای میرزا علی‌خان در روزنامه کشکول چنین نوشته شده است: «نکته عمده‌ای که از مطالعه طرح‌های میرزا علی برمی‌آید این است که وی با توجه به، به‌کارگرفتن تکنیک‌های متعدد و اجراهای متنوعی که داشته، به فرم و شخصیت ثابتی در آثارش نرسیده است. شاید بتوان علت آن را نبودن این زمینه هنری در ایران آن روزگار و تقلید میرزا علی از کارهای کاریکاتوریست‌های دیگر به‌ویژه کاریکاتوریست‌های دو کشور همسایه، یعنی ترکیه و روسیه دانست. باید گفت در آن زمان نشریات این کشورها در ایران هواخواهان بسیار داشت. با این همه میرزا علی

هر شماره کَشکول
چهار صفحه داشت
و دربردارنده
کاریکاتورهایی
با زیرنویس و
مقالاتی بود

با توجه به آثار متنوع و زیبایی که در زمینه کاریکاتور ارائه کرده است، از جایگاه ویژه‌ای در شکل‌گیری این هنر در ایران برخوردار است. یکی از نوآوری‌های وی طراحی کپی‌های طنزآمیز از تابلوهای نقاشی معروف آن زمان است. در این زمینه طرحی طنزآمیز از تابلوی نقاشی معروف قایق‌کشان ولگا اثر ایلیا ریپین، طراح و نقاش برجسته روسی، در شماره ۳۵ کَشکول جلب نظر می‌کند. این طرح چند نفر را در حال کشیدن قایقی نشان می‌دهد. تفاوت این کپی با اصل در این است که این افراد لباس‌های مخصوص کشورهای استعمارگر در ایران را بر تن دارند. به این ترتیب میرزاعلی با ترسیم این طرح و با عنوان کردن مطلبی در زیر آن مبنی بر اینکه: کشتی پولیتیک (سیاست) ما را به کجا می‌برد؟ این نقاشی معروف را به کاریکاتوری گیرا و پرکنایه تبدیل کرده است» (شجاعی طباطبایی، ۱۳۷۲: ۶).

درباره نقاشی‌ها و کاریکاتورهای میرزاعلی مزیّن السلطان مطالب متنوعی نوشته نشده است. ادوارد براون کاریکاتورهای این روزنامه را زنده به خط تعلیق یادداشت کرده است (براون، ۱۳۸۶: ۶۲۸).

همچنین عین السلطنه نیز وقع چندانی بر آثار این هنرمند نگذاشته و چنین نوشته است:

- «روزنامه کَشکول که کُری‌کتور و مطالب مضحک و آشکال دارد، بی‌مزه نیست» (عین السلطنه سالور، ۱۳۷۹: ۱۸۲۰).

- «روزنامه کَشکول بسیار بامزه است. نویسنده آن مجدالاسلام کرمانی است. بی‌کمال نیست، اما قلم او در مسخره و مضحکه بالاتر است. اما هر قدر مطالب آن بامزه است، آشکال آن بی‌قاعده و تناسب» (همان، ص ۱۸۳۰).

شیوا بلاغی نیز درباره آثار میرزاعلی چنین نوشته است:

«هر شماره کَشکول چهار صفحه داشت و دربردارنده کاریکاتورهایی با زیرنویس و مقالاتی بود که با نستعلیقی خوانا نوشته می‌شد. گاه مضمون مقالات یک شماره همان بود که در کاریکاتورها تصویر می‌شد. گاه نیز موضوع مقالات ربطی به موضوع کاریکاتورها نداشت ... بیشتر این کاریکاتورها را میرزاعلی امضا کرده است که گاه نامش را به فرانسه می‌نوشت و چنین رقم می‌زد: Mirza Ali, Peinture.

اینکه او هنرمندی با استعداد بود یا نه، جای بحث دارد. نقاشی‌های چاپ سنگی او سیاه‌قلم‌هایی ساده و دو بُعدی است. او بعضاً تک‌چهره‌هایی از شاهان نیز کشیده است که در آن‌ها محدودیت‌های توان هنری‌اش آشکارتر است ... روشن است که میرزاعلی فاقد استعداد دیگر هنرمندان قاجار مانند ابوتراب و مصورالملک بود که آثارشان صفحات روزنامه‌های مصور رسمی را زینت می‌بخشید. با این حال، بینش خلاق میرزاعلی و برگردان طنزآمیزش از مردم و رویدادها با مسیر کلی روزنامه متناسب بود. نقاشی‌های او جنبه‌ای زیرکانه و پرتحرک به مقالات هر شماره می‌افزود» (بلاغی، ۱۳۸۶: ۵۵ و ۵۶).

از دیگر فعالیت‌های دکتر علی‌خان باید به ترسیم پرده نقاشی جدید صحنه «انجمن اخوت» پس از واقعه آتش‌سوزی اشاره کرد. روزنامه آفتاب درباره این واقعه آتش‌سوزی چنین نوشته است:

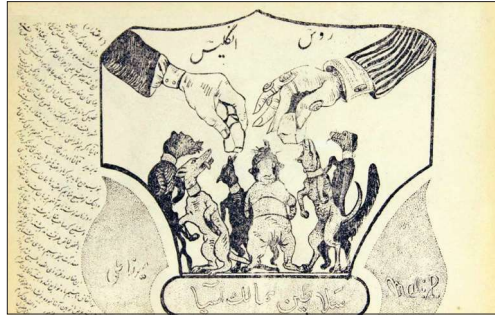
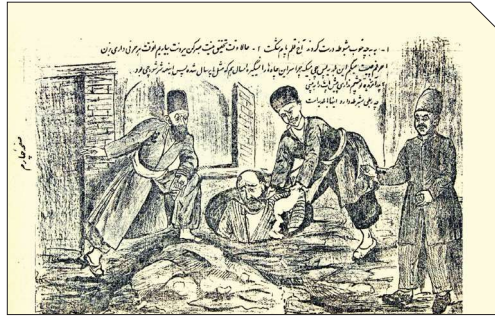
«شرکت علمیه فرهنگ ... چند شب در منزل قدیم آقای ظهیرالدوله نمایشات اخلاقی خواهند داد. در شب اول در ساعت هشت از شب گذشته اساسیاً آنجا آتش گرفته و ضرر بزرگی به شرکت وارد آمد. با این حال یک شب نمایش تعویق افتاد و مجدداً شروع نمودند. در شب دوشنبه گذشته، در موقعی که چراغ‌ها روشن و واردین مشغول گردش بودند، یک مرتبه تمام چراغ‌های الکتریک خاموش گردید. پس از تجسس و تححص و تجسس مستخدمین، معلوم شد که سیم‌های چراغ را توی شیروانی پاره و قطعه نموده‌اند و مرتکب هم هر قدر تجسس شد معلوم نگردید. به فاصله یک ساعت بعد هم دو کبریت مشتعل هم از طرف چپ چادرها در روی چادر افتاد. معلوم نیست که این حرکات شنیع و ناشایسته از چه قبیل اشخاص بروز و ظهور می‌کند. بالاخره به هر ترتیبی بوده تاکنون چهارشنبه نمایش داده شد» (روزنامه آفتاب، ۱۳۳۱: ۳).

عنایت‌الله خان شیبانی درباره ترسیم پرده تئاتر گروه انجمن اخوت از سوی دکتر مزین السلطان چنین نوشته است:

«در منزل ظهیرالدوله، روبه‌روی بانک ملی، کوچه اتابک، حزب دموکرات نمایشی را تدارک دید که در آن دموکرات‌ها نقش حزب خود را در پیشرفت هدف‌های مشروطه خواهان مجسم می‌کردند. قبل از نمایش، مخالفین حزب دموکرات، عده‌ای را فرستادند و پرده جلوی صحنه را آتش زدند که شاید بتوانند مانع اجرای نمایش آن‌ها بشوند. در مدت کوتاهی که متجاوز از ۲۴ ساعت نبود، دکتر مزین به اتفاق میرزا علی‌خان (ناظم مدرسه کمال‌الملک) برای صحنه مزبور پرده جدیدی را تدارک و نقاشی کردند و روی آن شعله سر به فلک کشیده آتش را ترسیم نمودند تا تماشاچیان پی به حقیقت امر ببرند و مخالفین حزب دموکرات را بشناسند» (شیروانی، ۱۳۵۵: ۲۹ و ۳۰).

می‌دانیم که در اوایل جریان مشروطه دو حزب مهم با عنوان‌های «حزب دموکرات» و «حزب اجتماعیون اعتدالیون» در صحنه سیاست ایران ظاهر شدند و اغلب گروه‌های نمایشی و روشنگران دوره مشروطه به افکار دموکراتیک و انتقادی گرایش داشتند. ولی در این‌که میرزا علی‌خان مزین السلطان نیز به این حزب متمایل بود یا نه، در حال حاضر سند قابل قبولی در دست نداریم.

جدا از این موارد، دکتر علی‌خان چند تابلو نیز ترسیم کرده است که شمایل میرزا حسن خان بصیری منشی (متوفی ۱۳۳۶ق) با فن (تکنیک) سیاه‌قلم و امضای مزین السلطان از آن جمله محسوب می‌شود. این تابلو امروزه در مجموعه‌ای خصوصی نگهداری می‌شود. اما از مهم‌ترین آثار هنری دکتر علی‌خان که متأسفانه با اشتباه وحشتناک تعدادی از پژوهشگران به هنرمند دیگری نسبت داده شده است، تصویرسازی کتاب رمان بلند «پسر کنت دومونت کریستو» است.



تصاویر در روزنامه کشکول تهران، به قلم مزین السلطان

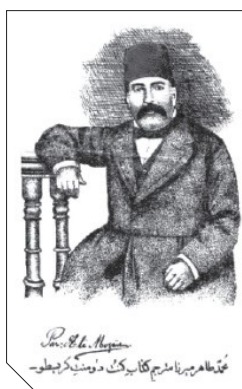


❖ تصویرسازی پسر کنت دومونت کریستو

بی‌گمان تصویرسازی کتاب رمان بلند پسر کنت دومونت کریستو، اثر ژول لرمینا و ترجمهٔ خلیل‌خان ثقفی که در سال ۱۳۲۲ق در تهران منتشر شد، از معروف‌ترین آثار این هنرمند است. میرزا علی‌خان در این سال‌ها که افتخار شاگردی و معاونت خلیل‌خان ثقفی را برعهده داشت، به تصویرسازی نقاشی‌های این کتاب پرداخت. لازم به ذکر است که این رمان به قطع رحلی در ابعاد ۲۲×۳۱ سانتی‌متر است که به‌صورت چاپ سنگی در ۶۱۸ صفحه منتشر شده است.

این رمان، مجموعاً حاوی چهل و چهار تصویر است که اندازهٔ بزرگ‌ترین تصویر ۱۸×۱۳/۲ سانتی‌متر، اندازهٔ کوچک‌ترین تصویر ۷/۱۴×۵/۱۲ سانتی‌متر و اغلب تصویرهای در ابعاد ۱۸×۱۳ سانتی‌متر است. متأسفانه کیفیت کاغذ، چاپ و تصویرهای چاپ سنگی این کتاب چندان مطلوب نیست و رقم و امضای برخی از تصویرها نیز قابل خواندن نیست.

در گوشهٔ سمت چپ پایین نخستین صفحهٔ این کتاب که حاوی چهار شمایل در یک صفحه است، امضای «Par: Ali Mozaïen» و در پایین تصویر پنجم (صفحهٔ ۳۳) و نیز امضای «Ali Mozaïen» به چشم می‌خورد. همچنین در پایین تصویر صفحهٔ ۱۹۳ امضای علی، در پایین تصویر صفحهٔ ۲۹۸ امضای «رقم مزین»، و در پایین تصویر صفحهٔ ۳۰۷ واژهٔ «رقم» قابل مشاهده است. اما واژهٔ بعدی آن قابل شناسایی نیست. در گوشهٔ راست پایین صفحهٔ ۵۷۷ نیز امضا وجود دارد که چندان روشن نیست، ولی واژه‌ای شبیه به «علی مزین» مشاهده می‌شود.



تصاویر صفحهٔ نخست کتاب پسر کنت دو مونت کریستو با نقاشی‌های مزین السلطان



تصویر چاپ سنگی از شمایل مزین السلطان

از تصاویر روزنامه کشکول تهران به قلم مزین السلطان



میرزا سید محمد مجتهد طباطبایی
اثر مزین السلطان



تصویر چاپ سنگی نصر السلطنه
اثر مزین السلطان

عالم اول	شماره چهارم	مؤلف اول
دوره اول	شماره چهارم	مؤلف اول
دوره دوم	شماره پنجم	مؤلف دوم
دوره سوم	شماره ششم	مؤلف سوم
دوره چهارم	شماره هفتم	مؤلف چهارم
دوره پنجم	شماره هشتم	مؤلف پنجم
دوره ششم	شماره نهم	مؤلف ششم
دوره هفتم	شماره دهم	مؤلف هفتم
دوره هشتم	شماره یازدهم	مؤلف هشتم
دوره نهم	شماره بیستم	مؤلف نهم

کشکول

تصویر مظفرالدین شاه
اثر دکتر مزین السلطان

برخی از محققان در سال‌های اخیر، تصویرسازی این کتاب را بدون هیچ‌گونه بررسی کارشناسانه به میرزا علی‌اکبر خان نقاش‌باشی که در آن زمان صاحب لقب مزین‌الدوله بود، نسبت داده‌اند. شوربختانه این اشتباه برای نخستین بار از کتاب «تاریخ ادبیات کودکان ایران» (محمدی، ۱۳۸۰: ۴۵۲، ۴۵۳ و ۷۱۷) نشئت گرفته و بدون هیچ‌گونه بررسی علمی به مقالات علمی پژوهشی پس از خود نیز سرایت کرده است (حسینی‌راد و خان‌سالار، ۱۳۸۴: ۸۲).

شماره ۹، پانزدهم فروردین ۱۳۳۸ (سال اول) ۳۳ خرداد ۱۳۳۶ ۱ صفحه ۱

آقرس: طهران دروازتقون
 • دستکوز مرین •
 هیئت مؤسسه: دکتر علم‌الدوله
 دکتر مسعود دکر مرین
 اعلا نیر هرامد پیکر طبع
 و نشر میشود
 مقالات و تصورات علمی - حفظ
 الصحة و دوا سازی پاریته
 ولی مسزده میشود
 قائل رسول قصه: الملهادان



وجه اشتراك: چه برطهران
 وجه برطهران ولایت پشاه ۱۲
 قران و نشر مفعه هفت قران و دو
 طریقه انشاء نموده است
 وجه اشتراك مقدمتا درانت
 میشود
 اصلاحات طبی و دوا سازی
 در مسزده دو و سه مطری
 دو قران و در آخر مطری
 پیک قران
 قیمت گراورر علاوه
 درانت میشود
 علم الادان و علم الادیان

قیمت يك نمره | عمده ایست برای خدمت بمحفظه الصحة | همه جایگفرا ن
 عمومی و طبابت در ایران

علاج - پیش بینی
 در هر کتاب طبی و هر یک از اصول امراض
 و انوشوی و وقتیکه وجه تسمیه مرین خوانده شد،
 انوقت که تاریخ مرین - اسباب مستغفه و مویجه،
 راه سرایت - علائط - تشخیص و غیره مطالبه
 گردید عا وقت بعد آخر مراتب فصل این کتاب
 شای و دارا دیده میشود: علاج:
 علاج اصل مقصود طب و طبابت است:
 رای مرین و دردمند - رای دستکوز مرین و
 مبتلا کجا آن زحمت و تعبیراتیه کجا آن شب
 زنده داریا و مملعات آن روشکها و اناب دافع
 درد بوده و جای علاج را خواهد گرفت!
 بیخوبست که علائط و اسباب مرین را خوب

فصلتین - تشخیص صحیح دواوت و خواص
 امویه را نیک دانستن هر یک بجای خود خوب و
 لازم است. ولی همه آنها برای خوب علاج کردن
 و دفع مرض شومین است:
 بدخانه، علاجهای خوب و عاجل را کما مرینها
 خواصه و منظریم، و نتایج هم پیشکیمه المیاده،
 بانتظار محمود شدن نظرات و عمل شفا میده،
 مدارا کرده و دست به دست بنالده، بقی و دوا
 نیست! تنها سیر کردن شکای گشته نیست!
 پوشانیمت بدنه‌های برعه و نغایر مناسی از
 دهانهای حیالت ماب نیست! بلکه بسیاری دروغا
 است که برای علاج حقیقیش ایجاد کارخانه،
 ماشینها، دارالفنونها، لابراتوارها، مراکزها،

شماره ۱، ششم فروردین ۱۳۳۸ (سال اول) ۳۰ خرداد ۱۳۳۶ ۱ صفحه ۱

آقرس: طهران دروازتقون
 • دستکوز مرین •
 هیئت مؤسسه: دکتر علم‌الدوله
 دکتر مسعود دکر مرین
 اعلا نیر هرامد پیکر طبع
 و نشر میشود
 مقالات و تصورات علمی - حفظ
 الصحة و دوا سازی پاریته
 ولی مسزده میشود
 قائل رسول قصه: الملهادان



وجه اشتراك: چه برطهران
 وجه برطهران ولایت پشاه ۱۲
 قران و نشر مفعه هفت قران و دو
 طریقه انشاء نموده است
 وجه اشتراك مقدمتا درانت
 میشود
 اصلاحات طبی و دوا سازی
 در مسزده دو و سه مطری
 دو قران و در آخر مطری
 پیک قران
 قیمت گراورر علاوه
 درانت میشود
 علم الادان و علم الادیان

قیمت يك نمره | عمده ایست برای خدمت بمحفظه الصحة | همه جایگفرا ن
 عمومی و طبابت در ایران

نظری بصحیه عمومی
 و طب مصور
 هبوطان عزیز:
 وقت آن است که اندکی بصحیه عمومی پرداخته
 جویست پراکنده خودمان را که طبیب و بدون دوا
 دچار سعادت و مشقتند نظری بیابیم!
 شهری نیست که نابوی و بیار در آن مجال خزان
 ریخته باشد! قریه و تاسیست که اهالیش از ایشان
 پارسای مزینه، مومن و عقیدت مند باشد!
 در عموم قاطع مسکون این نیکت و مهروریلات
 اهالی پارسا نماند! طبیب و دوا و نماند! حفظ
 الصحة یعنی روزگاری نتواند پاریته و حقه
 باور شده پس از چند دفعه تکرار جان مبتلا

کرده از منستی خویش ساقط و از مسکینات
 زندگان فتنه میشود!
 رسول اکرم ص بریارید: (المعلم علان علم
 الادان و علم الادیان) و هارمی این کفرها بیک
 سنجیده و گفته است:
 علم ایدان را باین دام سبقت زان رسول
 تا نه تن آید کرده من در او سزده مکان
 آری از همه بدمتر علم نگهداری بن است و
 از بدنه‌های سالم است که از شیوع کار بود، اول
 پید سعت را حفظ کرده و از حیت مزاج آلوده
 خیال گردید آنگه بدنه‌های سالم را برای کارها
 آماده و مپا ساخت!
 بیچاره انسانهای مرین! بدنت مرهای بی
 پرستار! چگونه شایسته است که با عدم سعت

◆ عزیمت دکتر مزین السلطان به مشهد

دکتر مزین السلطان پس از چند سال اقامت در تهران، به درخواست دکتر امیرخان امیراعلم (۱۳۴۰-۱۲۵۵) در سال ۱۳۳۶ ق به مشهد رهسپار گردید. گفتنی است که در این زمان دکتر امیراعلم بیمارستان دارالشفای مشهد را با هزینه شخصی مرمت و احیا کرد و ریاست آن را به دکتر مزین السلطان سپرد. «روزنامه رعد» گروه پزشکی «دارالشفای مشهد» را در سال ۱۳۹۸ خ این گونه معرفی کرده است: «آقای دکتر مزین السلطان (مدیر دارالشفاء)، آقای دکتر سیدموسی خان (طیب امراض داخلی)، آقای معتمدالحکما و آقای لقمان التولیه (معاون شعبه امراض داخلی) و ...» همچنین روزنامه تازه بهار مشهد اطلاعات جالبی را از دوران ریاست مزین السلطان بدین قرار گزارش می‌دهد:

«خیراً در موقع تعمیر و تأسیس دارالشفاء از طرف آقای سردار امیراعلم مؤسس محترم دارالشفاء از ایشان [مزین السلطان] خواهش شد به مشهد آمد و مدیریت و ریاست طبابت مریض خانه را با ماهی صد تومان حقوق که بیش از یک ثلث عایدات تهران ایشان نبود، قبول نماید. اتفاقاً این تقاضا را پذیرفته و در ۱۶ ماه قبل، از تهران به مشهد آمده، امور اداره مریض خانه را با قلبی پاک که جز خدمت و جوان مردی در او سرشته نبود در دست گرفت» (روزنامه تازه بهار، ۱۳۳۸ ق: ۱).

قدما درباره صفات
اخلاقی و شخصیتی
دکتر مزین السلطان،
به جز خیر و خوبی،
مطلب دیگری
نوشته‌اند

در زمان اقامت دکتر مزین السلطان در مشهد بیماری مسری شدیدی شیوع یافت که روزنامه رعد از آن با عنوان: «مرض امسال مشهد» یاد کرد. گفتنی است که دکتر مزین السلطان در همان زمان به انتشار مقالاتی در همان روزنامه و به تشریح و توصیف علائم آن پرداخت. همچنین در تاریخ دوشنبه ۵ ذی‌قعدة ۱۳۲۷ این قطعه شعر با عنوان «دار مکافات» در «روزنامه ایران» (سال ۳، شماره ۱۷۵) به چاپ رسید که شاعر آن احتمالاً می‌باید دکتر مزین السلطان مورد نظر ما باشد:

جهان را نام‌ها باشد به افواه
که نبود هیچ کاری ای برادر
نهی بر دوشی ار باری زمانه
به یار کس اگر کردی خیانت
زدی آتش اگر بر مال مردم
برد گر شاخ گل را باغبانی
ببرگ گل اگر دستش جفا کرد
اگرچه دزد شد سردار کاشی
بکاشان ریخت ناحق خون مخلوق
فقیران را بچه افکند و آخر
از آن جمله یکی دار مکافات
شگفت‌انگیز چون کار مکافات
نهد بر دوش تو بار مکافات
خیانت بینی از یار مکافات
فتد بر جان تونار مکافات
زند بر دست او مار مکافات
خلد بر پای او خار مکافات
برفت اما سر دار مکافات
گرفتش عاقبت ثار مکافات
خداش افکند در ظر مکافات

ظهر سوم ذیحجه ۱۳۳۷ م رجلاً گفته شد. مزین السلطان

همچنین به تقاضای اداره زاندارمری مرکزی، در ماه جمادی‌الثانی ۱۳۳۸، به پاس خدماتش یک قطعه نشان شیروخورشید از درجه سوم برای وی ارسال شد.

♦ خلق و خوی اخلاقی و شخصیتی دکتر مزین السلطان

قدما درباره صفات اخلاقی و شخصیتی دکتر مزین السلطان، به جز خیر و خوبی، مطلب دیگری نوشته‌اند. امیرقلی امینی، مدیر روزنامه اصفهان، جدا از اینکه از این پزشک با عنوان دکتر «نیک‌فطرت» (امینی، ۱۳۵۳: ۶۷) یاد کرده، درباره صفات اخلاقی وی نیز چنین نوشته است:

«دکتر مزین السلطان ... از خلیق‌ترین و وطن‌پرست‌ترین افراد عصر خود و در عین حال طبیعی حاذق و نویسنده‌ای زبردست بود.» (همان، ص ۶۶ و ۶۷).
ضیاء‌الدین جناب درباره شخصیت این پزشک و هنرمند چنین نوشته است:
«دکتر مزین السلطان ... مردی بسیار جدی، نیک‌سرشت و در اجرای مقررات مقید و سخت‌گیر بود» (امینی، ۱۳۲۶).

احمد سعیدی خبرنگار و نویسنده «روزنامه صدای طهران» این پزشک را شخصی فداکار و خدمتگزار به مملکت نام برده که خدمات مهمی به جامعه پزشکی لشکری و کشوری عرضه کرده است» (روزنامه صدای طهران، ۱۲۹۹: ۲).

همچنین روزنامه ایران، دکتر مزین السلطان را از اطبای حاذق و متجدد، عالم و وطن پرست معرفی کرده است (روزنامه ایران، ۱۲۹۹: ۲ و ۳).

روزنامه تازه بهار مشهد نیز درباره اخلاق این پزشک گرانمایه چنین نوشته است: «دکتر مزین السلطان یک دوره زندگانی ... خود را با شرافت و پاکدامنی و علو همت در راه خدمتگزاری به نوع و مملکت پیمود و تاریخچه پاک و بی آیشی در دفتر عزت و شرافت از خود ترسیم نمود ... طرز اداره و بی طمعی و شرح خدمات صمیمانه‌ای که از طرف دکتر مزین السلطان در تحکیم اساس مریض‌خانه [دارالشفاء] ابراز گشته، چندان لزومی ندارد؛ زیرا کاملاً عملیاتی دیده و شنیده است. این است نتیجه زندگانی یک نفر وظیفه‌شناس که حیات او را قدر ندانسته و پس از مرگش یک صفحه را سیاه و با تأسف و تألم می‌نگریم» (روزنامه تازه بهار، ۱۳۳۸ ق: ۱).

♦ سرانجام و وفات دکتر مزین السلطان

دکتر مزین السلطان در اواخر ماه جمادی‌الثانی ۱۳۳۸ در جشن سالانه مریض‌خانه دارالشفای مشهد حضور یافت و ناگهان پس از خاتمه جشن و بازگشت به منزل، دچار بیماری شدی شد. این بیماری که بنا به روایتی مرض «تیفوس» (پیشین) و بنا به روایتی دیگر مرض «حصبه» روزنامه ایران (۱۲۹۹: ۲ و ۳) بود، به سرعت تأثیرگذار واقع شد و دکتر میرزاعلی‌خان مزین السلطان سرانجام در سن سی و پنج سالگی صبح دوشنبه اول رجب ۱۳۳۸ (دوم فروردین ۱۲۹۹) در شهر مشهد وفات یافت و در همان شهر نیز به خاک سپرده شد. متأسفانه از وارثان و خانواده وی تاکنون هیچ اطلاعاتی به دست نیآورده‌ایم. یادش گرامی باد.

منابع

۱. غریب پور، بهروز (۱۳۸۴). تفتاتر در ایران. دفتر پژوهش‌های فرهنگی. تهران.
۲. آرام، احمد (۱۳۵۶). «یادی از ضیاءالدین جناب خادم معارف». مجله یغما. شماره ۳۴۶. تیرماه.
۳. افشار، ایرج (۱۳۸۷). «تازه‌ها و پاره‌های ایران‌شناسی (۶)». مجله بخارا. شماره ۹ و ۱۰. آذر تا اسفند. ۴. امینی، امیرقلی (۱۳۵۳). «زندگی پرماجرایی من». مجله خاطرات وحید. شماره ۳۸. آذرماه. ۵. براون، ادوارد (۱۳۸۶). تاریخ مطبوعات و ادبیات ایران در دوره مشروطیت. ترجمه محمد عباسی. نشر علم. تهران.
۶. بلاغی، شیوا (۱۳۸۶). «فرهنگ چاپ در اواخر عصر قاجار (کاریکاتورهای کشکول)». ترجمه داود طبایی. فصلنامه گلستان هنر. شماره ۱۰. زمستان. ۷. جمال‌زاده، سیدمحمدعلی (۱۳۳۳). «ترجمه حال سیدجمال‌الدین واعظ». مجله یغما. شماره ۷۷. آذرماه.
۸. جناب اصفهانی، میرسیدعلی (۱۳۰۳). الاصفهان. مطبعة فرهنگ. چاپ سنگی. اصفهان.
۹. حشمتی، مهین (۱۳۵۶). «ضیاءالدین جناب». مجله کاوه (مونیخ آلمان). شماره ۶۵. پاییز.
۱۰. دولت‌آبادی، حسام‌الدین (۱۳۵۶). «درگذشت جناب». مجله وحید. شماره ۲۰۶. فروردین.
۱۱. روزنامه آفتاب، شماره ۱۸۹، مورخ ۲۸ جمادی‌الثانی ۱۳۳۱.
۱۲. روزنامه ادب، تهران، سال ۳، نمره ۴۴ و ۴۵، مورخ ۱۱ محرم ۱۳۲۳، و سال ۴، شماره ۱۵۰، مورخ ۱۵ ربیع‌الثانی ۱۳۲۳.
۱۳. روزنامه ایران، تهران، سال ۴، شماره ۶۴۰، چهارشنبه ۱۰ رجب ۱۳۳۸/۱۱ فروردین ۱۲۹۹.
۱۴. روزنامه تازه‌بهار، مشهد، سال ۱، شماره ۴، دوشنبه ۸ رجب ۱۳۳۸ق./۹ فروردین ۱۲۹۹خ.
۱۵. روزنامه رعد، ۱۲۹۸خ.
۱۶. روزنامه شرق، تهران، سال ۱، شماره ۵۴، سه‌شنبه ۳۰ ذی‌قعدة ۱۳۲۷.
۱۷. روزنامه شفق سرخ، تهران، سال ۲، شماره ۱۳ (مسلسل ۱۴۸)، یکشنبه ۹ ذی‌قعدة ۱۳۴۱ق./۲ سرطان ۱۳۰۲ و سال ۴، شماره ۳۵۷، پنجشنبه ۲۵ تیر ۱۳۰۴.
۱۸. روزنامه شکوفه، شماره‌های ۱۵ و ۱۶، مورخ ۲۰ شوال و ۱۰ ذی‌قعدة ۱۳۳۱.
۱۹. روزنامه صبح صادق، سال ۲، شماره ۹۷، چهارشنبه ۱۷ جمادی‌الاول ۱۳۲۶.
۲۰. روزنامه صدای طهران، تهران، سال ۱، شماره ۲۷، دوشنبه ۱۵ رجب ۱۳۳۸ق./۱۶ فروردین ۱۲۹۹.
۲۱. روزنامه کشکول تهران، سال اول، ۱۳۲۶-۱۳۲۵ق./۲۲. روزنامه مجلس، شماره ۱۵۱، پنجشنبه ۱۸ جمادی‌الاول ۱۳۲۶.
۲۳. روستایی، محسن (۱۳۸۲). تاریخ طب و طبابت در ایران (از عهد قاجار تا پایان عصر رضاشاه - ج ۲). سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران. تهران.
۲۴. شجاعی طباطبایی، مسعود (۱۳۷۲). «میرزاعلی مزین». کیهان کاریکاتور. سال ۲، شماره ۱۳. فروردین.
۲۵. شیروانی، حسن (۱۳۵۵). فعالیت‌های هنری در پنجاه سال شاهنشاهی پهلوی. وزارت فرهنگ و هنر. تهران.
۲۶. طاهرزاده بهزاد، حسین (۱۳۶۸). خاطرات منتشرنشده. مجله فرش ایران (آلمان، فرانکفورت). سال ششم. شماره ۱.
۲۷. طغرل، خسرو (۱۳۸۸). کلیات دیوان اشعار محمدعلی میسرالدیوان (غبار کاشانی). انتشارات دانش. زنجان.
۲۸. عین‌السلطنه سالور، قهرمان‌میرزا (۱۳۷۹). روزنامه خاطرات عین‌السلطنه (جلد ۳ و ۸). انتشارات اساطیر. تهران.
۲۹. غنی، قاسم (۱۳۲۹). «دوره‌های هنر نقاشی». مجله یغما، شماره ۳۲. دی‌ماه.
۳۰. فروغ، مهدی (۱۹۶۳). نمایش، مندرج در کتاب ایران‌شهر (ج ۱). چاپ یونسکو.
۳۱. فضل‌الله، رضا (۱۳۸۹). «حسن صدر (خطیب و نویسنده دلیر)». مجله بخارا. شماره ۷۶. مرداد و شهریور.

۳۲. کاظم‌زاده ایرانشهر، حسین (۱۳۰۲). «روح صنعت ایرانی در نمایشگاه صنایع در اسلامبول». مجله ایران‌شهر (برلن). سال ۲، شماره ۳. آبان‌ماه.
۳۳. گلبن، محمد (۱۳۸۶). «روزنامه آذربایجان». فصلنامه گنجینه اسناد. شماره ۶۶ تابستان.
۳۴. لرمینا، ژول (۱۳۲۲ق). پسر کنت دومونت کریستو. ترجمه خلیل خان ثقفی. چاپ سنگی. تهران.
۳۵. مزین‌السلطان، دکتر میرزاعلی‌خان (۱۳۳۶). ماهنامه طب. چاپ سربی. شماره‌های ۱ تا ۹، شنبه اول شوال ۱۳۳۵ تا پنج‌شنبه اول جمادی‌الثانی ۱۳۳۶. تهران.
۳۶. مهرپویا، جمشید (۱۳۶۶). «قالی‌های تاریخی به یغما رفت». مجله کیهان فرهنگی. شماره ۴۱. مردادماه.
۳۷. نفیسی، ابوتراب (۱۳۵۳). «نظری به وضع دارو و درمان در گذشته». مجله خاطرات وحید. شماره ۳۶. مهرماه.
۳۸. یغمایی، حبیب (۱۳۵۶). «آرامگاه خطیب جلیل و آزاده سید جمال‌الدین واعظ اصفهانی (۲)». مجله یغما. شماره ۳۵۰. آبان‌ماه.
۳۹. «هنرمندان ایرانی». مجله آموزش و پرورش (تعلیم و تربیت). سال ۲۶. شماره ۶. خردادماه.
۴۰. «بادی از شادروان سیدضیاءالدین جناب». مجله تعلیم و تربیت. سال ۴۷. شماره ویژه، ۱۶ مهر.